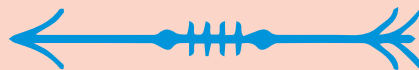


در شماره قبل ایده و اهمیت آن را در فیلمنامه بررسی کردیم. در این شماره به نحوه درست پرداخت ایده اشاره می‌کنیم. برای اینکه ایده به بهترین شکل ممکن به مخاطب برسد باید در درجه اول تمام زوایای پیدا و پنهان آن برای خود ما روشن شود. اما چگونه باید به این ممکن دست یافت؟ اجازه بدهید با مثالی این موضوع را شرح بدهم.

فرض کنید ایده ما در مورد پدر و فرزندی است که برای تفریح به کنار یک دریاچه می‌روند. شخصی که در حال عبور است از پدر برای پیدا کردن آدرسی درخواست کمک می‌کند. پدر آدرس را به آن فرد می‌دهد ولی وقتی نگاهش را به عقب برمی‌گرداند، دیگر نه اثری از فرزندش هست و نه از فرد جوینده آدرس!

شاید با خود بگویید این ایده تکراری است. و کاملاً هم درست می‌گویید. پیشینه داستان‌گویی در دنیا به ده‌ها هزار سال قبل از تاریخ، زمانی که انسان‌ها در غارها زندگی می‌کردند، برمی‌گردد. آنها با زبان تصویر تصویرهایی را روی دیواره‌های غار حک می‌کردند؛ تصویرهایی که بعدها از آنها افسانه‌های بسیاری ساخته‌اند. پس با این سابقه می‌توان نتیجه گرفت که بنابراین، داستانی در دنیا نیست که تا به حال روایت نشده باشد.

شکار دانیال



👈 خودت را آن‌طور که دوست داری معرفی کن؟ بیشتر منظورم زندگی نامه هنری ات است.

محمد دانیال غلامی مقدم هستم. از ده‌سالگی وارد فضای رسانه شدم. در شبکه هدهد، نهال و پویا اجرا داشتیم. از سن پانزده‌سالگی شروع به ساختن فیلم کردم. فارغ‌التحصیل کارگردانی و فیلم‌نامه‌نویسی از آموزشگاه سینمایی موج نو در مشهد هستم. در حال حاضر هم دانشجوی ادبیات نمایشی دانشگاه پارس. برای فیلم قبلی‌ام (تنهایی) برگزیده سی‌ویکمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان و دومین المپیاد فیلم‌سازی کشور شدم.

👈 چرا فیلم‌سازی؟ چرا شاخه‌های دیگر هنر را انتخاب نکردی؟

چون دغدغه دارم و فکر می‌کنم تصویر می‌تواند بیشتر بر مخاطب تأثیر بگذارد. دلیل دیگر هم علاقه‌ام است. به شدت به کارگردانی و بازیگری فکر می‌کنم و برای آینده‌ام در این زمینه خیلی برنامه دارم.

👈 دغدغه اصلی ات برای فیلم‌سازی چیست؟

مسائل اجتماعی و روان‌شناسی، خودباوری و... در کل به یک انسان متعالی در یک زندگی متعالی فکر می‌کنم.

👈 ایده این فیلم از کجا آمد؟ برای پرورش این ایده چه کار کردی؟ از کسی هم مشورت گرفتی؟

من برای ایده‌یابی دو شیوه دارم: یکی: تصویری که دیده‌ام و احساس کرده‌ام می‌توان در مورد آن داستان گفت؛ دوم: موضوع را کاملاً لمس و در موردش اطلاعات کسب کرده باشم. ما گروهی شش‌هفت نفره هستیم که همگی زیر ۱۸ سالمیم. اتاق فکر تشکیل می‌دهیم و بعد از نهایی کردن ایده شروع به تولید می‌کنیم.

ایده

چگونه می‌توانیم داستانی در فیلممان تعریف کنیم که احساس تکرار به مخاطب آن دست ندهد؟

با چهار روش زیر می‌توان به جواب این سؤال رسید:

۱- تعریف متفاوتی از عناصر داستان و ارتباط بین آنها (شخصیت‌ها، محیط و ...)

یک پرسش می‌تواند راه حل این قضیه باشد؛ پرسشی که می‌تواند روبروی هر کاراکتر داستان ما قرار گیرد. از خودتان بپرسید: ((چه می‌شود اگر ...؟)) همین سؤال می‌تواند بی‌نهایت موقعیت در جلوی روی شما قرار دهد.

و این هنر ماست که چه آدمی را در چه موقعیتی قرار دهیم تا برای مخاطب جذاب‌تر باشد.

به مثالمان برگردیم و با «چه می‌شود اگر» به داستانمان پیچیدگی بدهیم:

چه می‌شود اگر فرزند آن مرد وجود خارجی نداشته باشد و فقط در ذهن آن مرد وجود داشته باشد که چنین فرزندی دارد؟

چه می‌شود اگر هیولایی در این دریاچه وجود داشته باشد که افراد را به درون دریاچه بکشد؟

چه می‌شود اگر مردی که در جست‌وجوی یک آدرس است، حواس پدر را پرت کرده تا هم‌دستش پسرش را بدزدد؟

...

۲- تغییر زوایه دیدمان به داستان و شیوه روایت آن

اینکه داستان از چه زمانی و با کدام شخصیت شروع و در چه زمانی با کدام شخصیت پایان پذیرد، می‌توانیم پازل معمای داستان را به هم بریزیم و قسمتی از انتهای داستان فیلم را در ابتدا بیاوریم، بدون اینکه پایان مشخص شود؛ تا کنجکاوی مخاطب را همان اول به نهایت برسانیم.

۳- ترکیب چند داستان

می‌شود با ترکیب مناسب دو داستان معمولی یک داستان پیچیده و غیر قابل پیش بینی ساخت.

مثال: همزمان با گم شدن پسر آن مرد، تصادفی در آن نزدیکی رخ می‌دهد که به داستان بی ربط نیست.

۴- ترکیب چند ژانر (نوع) با هم

محدودیتی برای استفاده از ژانر در سینما مفهومی وجود ندارد. شروع یک فیلم می‌تواند کمدی و پایان آن کاملاً غم‌انگیز باشد، یا برعکس. یا حتی می‌شود ژانر وحشت را هم به این ترکیب افزود. نمونه بارز و تحسین شده این اتفاق، فیلم پارازیت (انگل) به کارگردانی بونگ جون-هو است.

در شماره بعد با مراحل نهایی کردن فیلمنامه همراه شما خواهیم بود.



سینما را یاد بگیریم. الان هم که دانشجوی ادبیات نمایشی ام. البته من خودم به فیلم دیدن خیلی اعتقاد دارم. سخنی از تارتینو، کارگردان مشهور هالیوودی، هست که می‌گوید: من مدرسه سینمایی نرفته‌ام، ولی خیلی سینما رفته‌ام.

📌 از ۱ تا ۱۰ چه امتیازی به فیلم خود می‌دی؟ چرا؟

۲/۵ . ۷/۵ امتیاز کم می‌کنم، چون الان که فیلم را می‌بینم، فکر می‌کنم جای کار بیشتری داشت.

📌 به نظرت اولین امکان برای فیلم‌سازی چیست و چگونه باید به دستش آورد؟

به نظرم برای شروع فیلم‌سازی فقط دغدغه کافی است! استعداد بعد از ساختن اولین فیلم محک زده می‌شود.

📌 از فیلم‌سازی چه تجربه‌هایی به دست آورده‌ای؟ آیا بعد از فیلم‌سازی زندگی‌ات تغییر کرد؟

نگاهم به اطرافم خیلی ریز بینانه‌تر شده است. دیگر نمی‌توانم از هیچ چیز به سادگی بگذرم. البته در بعضی جاها هم خوب نیست. مثلاً لذت فیلم دیدن برایم کم شده است؛ این قدر که موقع دیدن فیلم به جزئیات ساختش توجه می‌کنم.

📌 درباره آخرین فیلمت، «شکار»، توضیح می‌دهی؟

ایده اصلی فیلم شکار این تفکر است که در تقابل با طبیعت، شکار واقعی خود ما انسان‌ها هستیم. این یک ایده در جهت حفظ محیط زیست است.

📌 ساخت فیلم شکار باعث شده است شما دنبال ساخت فیلم جدید هم باشی؟

به نظر من هر فیلم یک فیلم‌ساز، چه خوب و چه بد، او را در کارش یک پله بالاتر خواهد برد.

📌 در فیلم‌سازی چقدر به آموزش اعتقاد داری؟

زیاد. من خودم از آموزشگاه سینمایی شروع کردم تا به صورت پایه‌ای